



بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا یاد شهدای عزیزی را که این هفته و این ایام به نام آنهاست - یعنی شهید رجایی و شهید باهنر - گرامی می‌داریم. این دو عنصر خدمتگزار را باید به عنوان عناصر فراموش‌نشده در تاریخ دولت و انقلاب خودمان همواره به یاد داشته باشیم. امیدوارم که ان شاء الله همه‌ی ما بتوانیم در هر جا که هستیم و هر کاری بر دوشمان است، همراه با اخلاص و تلاش متناسب و ابتکار عمل و حرکت انقلابی، آنچه را که پاسخ به نیاز زمان است، ادا کنیم. لازم است این هفته را هم که دولت برای مردم در تبلیغات مطرح می‌شود و درحقیقت عید دولت یا جشن دولت است، به برادران عزیز هیأت دولت تبریک عرض بکنم.

بحمدالله امروز دولت از امتیازات بزرگی برخوردار است؛ یک دولت مردمی و یک دولت باایمان است، که حرکت و تلاش یکایک افراد آن، متکی به یک اعتقاد و یک ایمان صادقانه و خالص است؛ دولتی که حقیقتاً برای مردم دل می‌سوزاند و درصدد است که برای آنان کار بکند. این را ما در کارهای شماها بوضوح مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که شماها حقیقتاً درد مردم را دارید و تشنه‌ی خدمت به مردم محروم هستید. این امتیازات، امروز جزو امتیازات استثنایی دولتهاست.

اگر چنین نبود که این یکی از نعم الهی بر ملت ایران و بر همه‌ی ماست و باید آن را ذکر کرد و بر آن شکر گذاشت، شاید مناسب نبود که من در حضور شما عزیزان، این مطالب را بگویم؛ لیکن مسائل، شخصی نیست. ما در این قضیه، با اشخاص شما برادران کمتر مواجهیم، تا با آن حیثیت خدمتگزاری که انسان در شما مشاهده می‌کند. این مغتنم است و حقیقتاً جای شکرگزاری دارد.

در تاریخ گذشته‌ی ما، کمتر می‌شود مجموعه‌ی مسؤولانی را پیدا کرد که مثل مجموعه‌ی مسؤولان امروز باشند. کمتر که می‌گوییم، می‌خواهیم احتیاط کنیم؛ والا واقعاً من سراغ ندارم. رئیس جمهوری با این خصوصیات، با این فضایل و با این سوابق، و همکاران و وزرایی با این منش دینی و ایمانی و انقلابی، حقیقتاً در گذشته‌ی تاریخ ما سابقه ندارد، و در جاهای دیگر هم تا آن جایی که من شناخته‌ام - البته ادعای شناخت کامل نمی‌کنم؛ چون ما از اوضاع همه‌ی دولتها اطلاع نداریم - چنین چیزی را نیافته‌ام.

شاید مردم ما هم هنوز به بطن کارهای برادران مسؤول در دولت، درست واقف نیستند. البته یک چیزی شنیده‌اند و یک چیزی می‌دانند، ولی خصوصیات را که افراد آشنای با اعضای دولت می‌توانند بدانند و بفهمند، یقیناً مردم بعضی از آنها را نمی‌دانند، بعضی را هم باور نمی‌کنند. مثلاً اگر به مردم گفته شود که در بین وزرای جناب آقای هاشمی - بنابر آنچه که مسموع بنده است - وزیر هست که اگر از حقوق ماهیانه‌اش، اقساطی را که باید بدهد، کم کنند، برایش 2400 تومان می‌ماند، آیا واقعاً این را تصور می‌کنند که در کارگزاران یک دولت - کسانی که بیت‌المال و امکانات در اختیار اینهاست - کسانی پیدا می‌شوند که این‌طور زندگی و این‌گونه صرف و خرج می‌کنند؟ اینها چیزهای باارزشی است، و ما خدا را بر داشتن شماها شکر می‌گزاریم و از خدا می‌خواهیم که شما را در راه خیر و صلاح و سداد، همواره موفق بدارد. امروز ملت به خدمتگزاران صدیق و صمیمی و خسته‌نشو احتیاج دارد؛ از کار خسته نشوید.



دو، سه نکته در کار اجرایی وجود دارد، که اگرچه شماها متوجه این نکات هستید، اما تذکر اینها عیبی ندارد:

www.leader.ir

نکته‌ی اول، نظارت بر این مجموعه‌ی است که شما بر آن مسلطید. این ماشین بوروکراسی، چیز عجیبی است. من و شما که ده سال، دوازده سال سابقه‌ی کار اجرایی داریم، هنوز بوروکراسی را نشناخته‌ایم. ما در سخنان دیگران - کسانی که بوروکراسیهای عظیم معروف پنجاه ساله و شصت ساله و صدساله را تعریف می‌کنند - بوروکراسی را می‌شناسیم؛ که در بسیاری از موارد، با وضع خود ما هم منطبق است. این ماشین اجرایی، ضمن این که یک دستگاه اجتناب‌ناپذیر است، اگر از آن مراقبت نکنید، چیز خطرناکی خواهد شد. این مراقبت، همان چیزی است که شما را می‌تواند به سهولت و سرعت به هدفها برساند. اگر دستگاه اجرایی و دستهای شما نباشد، شما به هیچ هدفی نمی‌توانید برسید؛ درعین حال همین ماشین تا وقتی که اراده بکند، می‌تواند شما را از رسیدن به آن هدفی که دنبالش هستید، باز دارد؛ بسته به این است که ترکیب، و مهمتر از آن، نظارت شما بر این مجموعه چگونه باشد. اگر بر آن نظارت کردید، در اختیار شما قرار خواهد گرفت؛ اگر از آن غفلت کردید، شما در اختیار آن قرار خواهید گرفت؛ هرچه هم خوب باشید، از عهده‌ی آن بر نمی‌آیید.

ای بسا سیاست مسجل شده‌ی که تأکید مکرر بر انجام آن شده باشد و مدیر مربوطه - وزیر و بسیاری از سلسله مراتب - به آن مهر امضاء و اجراء زده باشند؛ ولی فقط یک نفر از انجام آن کار مانع بشود. شماها که هرکدام مدتی در کار اجرایی بوده‌اید، این را تصدیق می‌کنید. هر کس هم که با دستگاه اجرایی سروکار داشته باشد، این را تصدیق می‌کند؛ یعنی مراجعان به دستگاه اجرایی، این را می‌فهمند. چیزی است که وزیر خواسته، دولت خواسته، دستور داده شده، آب را هم از آن جا ریخته‌اند و دارند پمپاژ می‌کنند، ولی از این لوله و این کانال کشی به این عظمت، آب بیرون نمی‌آید! آن وسط، ریگی در کفش کسی است و این کانال را سد کرده است؛ علاج آن هم فقط نظارت شماست.

نمی‌توانیم بگوییم همه را خوب انتخاب کنید؛ چون مگر می‌شود شما یک معیار بگذارید و بعد هزار نفر، دو هزار نفر، ده هزار نفر همکار خودتان را از اول تا آخر با آن معیار تطبیق بدهید؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ حالا بر فرض تطبیق دادید، مگر انسانهای خوب، دایماً خوب می‌مانند؟ مگر وسوسه‌ها در انسانهای خوب اثر نمی‌گذارد؟ پس، آن چیزی که ضامن است، این است که شما برای نظارت، صرف وقت کنید.

اگر یک مدیر عالی وقتش را تقسیم بکند، شاید بشود گفت که باید نیمی از وقتش را صرف نظارت بر دستگاه خودش، و نیمی را صرف کارهای دیگر بکند؛ فکر کردن، سیاستگذاری کردن، دستور دادن، جلسه گذاشتن، و از این قبیل. نظارت بر این دستگاه، یعنی دایماً حضور داشته باشید؛ آقا شما دارید چه کار می‌کنید؟ این کار چه شد؟ مسأله‌ی پیگیری هم بخشی از همان نظارت است. این یک نکته است که لازم بود عرض بکنم. خواهش می‌کنم آقایان این قضیه را جدی بگیرند.

البته همان طور که جناب آقای هاشمی اشاره کردند، من با همه‌ی وجودم مشکلات کار اجرایی را لمس کرده‌ام و می‌دانم که این، مشکل بزرگ شماست. خیلی از کارهاست که شما می‌خواهید بکنید، ولی نمی‌شود.

نکته‌ی دوم این که به گزارشها ترتیب اثر بدهید و روی آنها حساس باشید. باید انسان شامه‌ی پیدا کند که تا یک گزارش می‌آید، آن نکته‌ی حق را در آن گزارش استشمام کند، یا لاقلاً در حد بالایی این طور باشد.

هر مدیری باید زیرمجموعه‌ی خودش را زیر چتر حمایت خودش قرار بدهد؛ والا آنها نمی‌توانند کار کنند؛ ولی این



دفاع از همکار - که سنت بسیار پسندیده و خوبی است - مانع نشود که اگر گزارشی علیه آن همکار آمد، شما بجد به آن برسید.

www.leader.ir

اگر این کارها را کردید، دستگاه اجرایی اصلاح خواهد شد و این همه نسخه و دستورالعمل اداری و استخدامی که غالباً هم عمل نمی‌شود و الان چند سال است که ما مرتب روی قضیه‌ی اداری و استخدامی کار می‌کنیم و هنوز هم چیز درستی نشده است، دیگر لازم نخواهد بود، یا اکثرش لازم نخواهد بود. به نظر من، نسخه‌ی مؤثرتر از همه این است که شما همه‌جا حاضر باشید و با همه‌ی تخلفها، با حساسیت برخورد کنید؛ این یک نکته‌ی حایز اهمیت است.

نکته‌ی سوم این است که آن صفا و صمیمیتی را که در شما هست، سعی کنید در کارگزاران اصلی دستگاه به وجود بیاورید. شماها که بالاخره شناخته‌شده‌ها و از چندین صافی عبور کرده‌های این دستگاهید، همه شما را پسندیده‌اند که این‌جا هستید، و بحمدالله کار شما هم تا آن‌جا که من شناخته‌ام و دانسته‌ام، مؤید صحت آن پسندها بوده است؛ لیکن از شما که یک قدم آن طرف‌تر رفتیم، دیگر این صافیها وجود نداشته؛ فقط یک صافی وجود داشته، و آن خود شما بودید.

سعی بشود درباره‌ی این گزینش، زیاد دقت بشود. در سطوح بالا، آن نیروی مؤمن و با اخلاص را جستجو بکنید. البته این به معنای آن دعوای معروف «تخصص یا تعهد» نیست؛ نه، بحث بر سر کارآمدها و کاردانهاست. ما نمی‌گوییم به یک مسجد بروید و ببینید چه کسی بهتر عبادت می‌کند، او را بیاورید؛ نه، در بین آن کسانی که توانایی کار را دارند، دنبال عنصر تقوا و تعهد و اخلاص بگردید و او را در رأس کار بگذارید، تا آن بطنه و مجموعه‌ی نزدیک به شما، همواره بتواند اعتماد شما را جلب کند و شما بتوانید کار را انجام بدهید.

البته خیلی از مطالبی که باید در مجموعه‌ی دستگاههای حکومتی مورد توجه قرار بگیرد، قبلاً بین ماها صحبت شده، و احتیاج به تکرار ندارد. مهمترین مسأله‌ی دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی - که همه‌ی اینها در خدمت و در جهت آن است - همان چیزی است که همه‌ی ما به آن معتقدیم و بارها گفته‌ایم؛ یعنی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه، و حمایت و کمک به طبقات مستضعف و محروم. واقعاً باید صحت برنامه‌ها را به این سنجید و دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویتهای بعد قرار داد. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه - که تعدادشان هم زیاد است - حتماً و انصافاً یک حرکت اساسی را می‌طلبد.

بحمدالله دولت طرحهای خوبی دارد؛ مردم هم در اظهارات آقایان فهمیده‌اند؛ و هم بیش از آن مقداری که شماها می‌گویید، کار انجام می‌گیرد؛ من هم تأکید می‌کنم که قدری کارهایی را که انجام شده، به مردم بگویید، تا بدانند. البته کارهایی را که بناست انجام بشود، هرچه ممکن است، نگویید؛ مگر آنهایی را که مسلماً انجام خواهد گرفت. اما کارهایی را که انجام می‌گیرد، خوب است که به مردم بگویید، تا مردم امیدوار شوند و ضد انقلاب نتواند بذر یأس در بین مردم بیاشد.

بحمدالله طرحهای خوبی دارد انجام می‌گیرد؛ لیکن شاید بشود با ابتکار، مقداری کارها را تسریع کرد. فرض بفرمایید اگر بعضی از بخشها را تشخیص دادید که از اهمیت فوق‌العاده‌ی برخوردارند، برای مدت معینی یک اولویت ویژه برای آنها قرار بدهید. مثلاً بخش کشاورزی در نظام ما، واقعاً یکی از بخشهای بسیار با اولویت است. هنوز هم من نمی‌دانم که آیا اولویت لازم به این بخش داده می‌شود، و آن کاری که باید در این بخش انجام بگیرد، آیا به صورت کامل و صددرصد انجام می‌گیرد، یا نه.



به‌هرحال، این کار باید انجام بگیرد. فرضاً شش ماه یا یک سال زمان بگذاریم، برای این که همه‌ی دستگاهها تحت‌الشعاع کشاورزی قرار بگیرند؛ صنعت در خدمت کشاورزی باشد؛ پول نفت در خدمت کشاورزی باشد. یعنی ما این دستگاه کشاورزی را به یک حرکت سریع وادار بکنیم، بعد آن را به حال خودش بگذاریم، تا با دستاوردی که از این حرکت خواهد داشت، کار خودش را ادامه بدهد؛ بعد سراغ یک بخش دیگر برویم. با برنامه‌ریزی می‌شود این کار را کرد. فرض کنید بخش راه، بخش آموزش و پرورش، بخشهای اساسی و زیربنایی کشور، به هر کدام اولویتی بدهیم و طرحها را در آن بخش متمرکز کنیم، و از این قبیل کارها. البته اینها چیزهایی است که قابل بررسی است. بایستی اهل تخصص و خبرویت، اینها را بررسی کنند و ببینند. به‌هرحال، از خدای متعال می‌خواهیم که به شماها کمک کند و قوت قلب بدهد.

امروز حجم تظاهرات استکباری بسیار بالاست و عربده‌های دشمنان ملتها و دشمنان اسلام، از همیشه بلندتر است. وضع و تسلط امریکا بر مسائل جهانی - یا بگوییم دخالت امریکا در مسائل جهانی - را همه مشاهده می‌کنید. ملتها در بسیاری از نقاط عالم، از وضع مسؤولان و دولتهایشان، دچار یأس و دلمردگی می‌شوند. همین مسأله‌ی فلسطین که الان پرچمداریش را امریکا به عهده گرفته است، حقیقتاً فاجعه‌ی بزرگی برای مسلمین در همه جای دنیا، بخصوص در منطقه‌ی خاورمیانه است.

در قبال این تظاهرات مستانه و عربده‌جویانه و متعرضانه، یک‌جا بایستی اصالت اراده‌ی انسانی و حضور شجاعت و شهامت برخاسته از اعتقاد راسخ، خودش را نشان بدهد. فعلاً جمهوری اسلامی بحمدالله این ظرفیت و شهامت و این برخورداری از اعتماد عمومی ملتها را دارد. هرچه شما اعتماد به نفستان بیشتر باشد و شجاعانه‌تر کار بکنید - در همه‌ی زمینه‌ها؛ چه سیاسی، چه اقتصادی، چه فنی و غیره - دشمن بیشتر دچار انزوا و ضعف خواهد شد و از هدفایش دورتر خواهد افتاد.

ان‌شاءالله خداوند به همه‌ی شما کمک کند؛ کارهای شما مشمول رضا و دعای حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) باشد؛ و روح مبارک امام امت از همه‌ی شما راضی باشد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته